دریافت مقاله:۸۸/۱۱/۳۱ پذیرش نهایی: ۸۹/۵/۴
صفحات: ۱۰۰-۸۵

ارتباط نومادیسم و تکوین مرزهای سیاسی در ایران (مطالعه موردی: ایلات و عشایر ترکمن)

سلمان انصاری زاده: دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران[1]
برزین ضرغامی: دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران
طهمورت حیدری موسلو : کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

کشور ایران بنا به موقعیت جغرافیایی خاص خود به‌ویژه از سمت شمال و شمال‌شرقی محل ورود اقوام کوچ‌نشین بوده و اغلب حکومت‌هایی که در ایران تشکیل شده وابسته به ایلات می باشد. از این رو ایلات نقش فوق‌العاده مهمّی در ثبات و عدم ثبات حکومت‌های مرکزی به عهده داشته‌اند. کوچ‌نشینان که اساس زندگی آنها مبتنی بر کوچ و کوچندگی است، گاه از چارچوب مرزهای کشور فراتر می‌رفتند و دو یا چند همسایه را درگیر منازعه می‌کردند. هدف پژوهش حاضر مطالعه نقش ایلات و عشایر ترکمن بر تکوین مرزهای سیاسی در شمال‌شرقی ایران است. روش مورد استفاده توصیفی– تحلیلی و استفاده از منابع اسنادی و تاریخی است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، در گذشته حکومت پهلوی بخش بزرگی از جمعیت کشور را عشایر تشکیل می‌داده و همچنین جابجایی عشایر به‌صورت قشلاق و ییلاق سبب شده که کنترل دولت مرکزی بر عشایر به‌خصوص در دوره افول قدرت بی‌ثبات باشد. در حقیقت تا قبل از تثبیت مرزهای شمال‌شرقی کشور ایران جابجایی ایلات و عشایر ترکمن در دو سوی مرزهای ایران و کشور شوروی سابق در قالب ییلاق و از سویی قشلاق عشایر کشور شوروی سابق در داخل مرزهای ایران و عواملی چون عدم پرداخت مالیات توسط کوچ‌نشینان هر دو کشور موجب کوچ به کشور همسایه می‌شده است و این عوامل باعث تأخیر در روند تکوین مرزهای سیاسی در این بخش از ایران شده است.

کلید واژگان : عشایر، کوچ ، ایل ، مرز ، حکومت

[1]. نویسنده مسئول Email: sansari@ut.ac.ir

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-08]

مقدمه

تا اواخر قرن بیستم بخش‌هایی از جمعیت ایران بر اساس طبیعت آن ساختاری ایلی داشت. در واقع مرزهای ایران و همسایگانش محل سکونت گروه‌های ایلی از جمله آذری، کرد، لر، بختیاری و عرب در غرب، آذری، کرد و ترکمن در شمال‌غربی و شمال‌شرقی و بلوچ در جنوب‌شرقی بود (احمدی، ۱۳۸۹: ص۵۴). کوچ‌نشینان اغلب برای کسب قدرت، باعث ناامنی و هرج و مرج شده‌اند (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۸۳: ص۱۶۲) و بخش قابل ملاحظه‌ای از جمعیت کشور را تا دوران معاصر تشکیل می‌دادند (علی‌زاده، ۱۳۸۵: ص۱۰۷).

جدول (۱) جمعیت ایلات و عشایر ایران در اواخر قران نوزدهم

اسامی اشخاص برآوردکننده	سال برآورد	جمعیت ایران (کل)	جمعیت ایلات و عشایر	درصد جمعیت عشایری
هونوم شیندلر	۱۸۸۴میلادی	۷/۶۵۴/۰۰۰	۱/۹۱۰/۰۰۰	۲۵
زولونوراف	۱۸۸۸میلادی	۶/۰۰۰/۰۰۰	۳/۰۰۰/۰۰۰	۵۰
جرج.ن. کرزن	۱۸۹۱میلادی	۸/۰۵۶/۰۰۰	۲/۰۱۴/۰۰۰	۲۵
هونوم شیندلر	۱۸۹۷میلادی	۹/۰۰۰/۰۰۰	۱/۹۱۰/۰۰۰	۲۱/۲
لوربنی	۱۸۹۹میلادی	۹/۳۳۲/۰۰۰	۲/۱۳۸/۰۰۰	۲۲/۹
مدوداف	۱۹۰۹میلادی	۱۰/۰۰۰/۰۰۰	۲/۵۰۰/۰۰۰	۲۵

(اکبری و میزبان، ۱۳۸۳: ص۱۴۳)

این قبایل نقش مهمی در چگونگی شکل‌دهی به مرزهای ایران و همسایگانش به‌خصوص در نواحی شمال‌شرقی داشته‌اند. در واقع وجود نیروهای قدرتمند مرکزگریز در مناطق مختلف ایران، مهم‌ترین مانع بر سر راه تمرکزگرایی دولت وانحصارگرایی قدرت سیاسی بود. به دلیل غلبه ساخت ایلی و عشیره‌ای بر جامعه ایران، سلسله مراتب اجتماعی بر اساس طبقه، حقوق و شأن و غیره تعیین نمی‌شد، زیرا در این ساختار ایلات و عشایر بالقوه قدرتی برابر با یکدیگر به شمار می‌رفتند و حتّی شاه هنگام گسترش‌طلبی یا هجوم خارجی از نیروی نظامی آنها برای دفاع از امپراتوری استفاده می‌کرد. از همین رو قدرت گرفتن یک قبیله از نظر نظامی و یا اتّحاد قبایل با یکدیگر بالقوه می‌توانست ساخت سیاسی در کشور را متحول کرده و موجب تغییر سلسله پادشاهی شود (افضلی، ۱۳۸۶: ص۱۱۹). به‌طوریکه طایفه‌ها و جماعت‌های عشایری ایران از

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-08]

دیرباز تا آغاز قرن بیستم یا حکومت را در دست داشته‌اند، همچون سلسله‌های افشار، زند و قاجار، یا شریک و حامی حکومت بوده‌اند، همچون هفت ایل یا طایفه‌های استاجلو، شاملو، تکلو، بهارلو در زمان حکومت افشار، قاجار و صفویه و یا مدّعی و رقیب حکومت بوده‌اند، همچون قاجارها در زمان فتحعلی‌شاه و یا به انگیزه مقاومت در برابر ظلم و زورگویی و باج‌خواهی حکومت‌ها در حالت جنگ و ستیز با آن قرار داشته‌اند مانند بختیاری‌ها و قشقایی‌ها (کیاوند، ۱۳۶۸: ص۳۷). این روند باعث می‌شد که سرحدّات و نواحی پیرامونی ایران که در آن ایلات و عشایر ساکن بودند نسبت به ضعف و قدرت دولت مرکزی نقش‌های مختلفی را در طول تاریخ ایفا کنند . این مقاله در پی آن است که نقش نومادیسم را در تکوین مرزهای سیاسی ایران در شمال‌شرقی کشور با تأکید بر ایلات و عشایر ترکمن مورد مطالعه قرار دهد. لذا برای نیل به این مقصود مهمترین شاخصه‌هایی که برای سنجش تأثیرات نومادیسم بر تکوین مرزهای سیاسی در شمال‌شرقی کشور می‌توان در نظر گرفت عبارتند از:

الف) ییلاق و قشلاق عشایر در سرحدات سیاسی کشور و قدرت نظامی آنها در برابر حکومت مرکزی.

ب) زمینه‌سازی برای حضور و دخالت کشورهای بیگانه در مناسبات میان عشایر و حکومت مرکزی و دوری قبایل از مرکز حکومت.

ادبیات موضوع

پیش از این انسان‌ها با مفهوم سرحد آشنا بودند که معمولاً در ماورای قلمرو یک‌پارچه یک واحد سیاسی قرار داشتند و لزوماً تفکیک‌کننده دولت‌ها نبودند (مینایی، ۱۳۸۶: ص۱۲۶ و Glassner, 1993: p73). به رسمیت شاختن حاکمیت کشورها پس از معاهده وستفالی (میرحیدر، ۱۳۸۹: ص ۳۸) و تشکیل دولت‌های سرزمینی از نیمه دوم قرن هجدهم سبب شد که معنی خطوط مرزی به معنای امروزی در نیمه دوم قرن نوزدهم به‌وجود آید (حافظ‌نیا، ۱۳۸۸: ص ۲۹۹). در حقیقت مرزها خطوطی هستند که حدود بیرونی قلمرو سرزمین تحت حاکمیت یک دولت ملی را مشخص می‌کند (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ص۶۹ و Dikshit, 1995: p54) و مطابق قواعد خاص در مقابل حرکت انسان، انتقال کالا یا نشر افکار مانع ایجاد می‌کند (زرقانی، ۱۳۸۶: ص۱۱۶). نخستین خطوط مرزی جدید در استرالیا، اروپا، آمریکای‌شمالی، آفریقای‌جنوبی و میان ایران و هندوستان بریتانیا ایجاد شد (اسکندری، ۱۳۸۸، ص۷۶). در زمینه شکل‌گیری مرزهای ایران کتاب و مقالات زیادی منتشر شده است اما با توجه به نقش و جایگاه ایلات و عشایر در تاریخ سیاسی

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-08]

ایران، باید اذعان کرد که این جامعه سوم آن طوریکه باید شناخته نشده است (شهبازی، ۱۳۶۹: ص۱۳).

در زمینه این موضوع خاص یعنی نقش ایلات و عشایر بر شکل‌گیری مرزهای سیاسی کشور تاکنون مطالعه جدی صورت نگرفته است و آنچه انجام شده هم به‌صورت پراکنده به رابطه ایلات و عشایر با حکومت مرکزی پرداخته شده است. که در این زمینه می‌توان به پژوهش‌هایی تحت عنوان چادرنشینی در کوهستان‌ها و فلات‌های آسیای جنوبی اثر فردریک بارت[1] که به تحلیل ایلات در ایران و پاکستان و افغانستان پرداخته، کتاب شناخت کلی ایلات و عشایر ایران نوشته پرویز ورجاوند، کوچ‌نشینی در ایران اثر سکندر امان‌اللهی بهاروند، مبانی جامعه شناسی و مردم شناسی ایلات و عشایر نوشته حشمت‌الله طیبی، جامعه‌شناسی عشایر ایران نوشته علی‌اکبر نیک‌خلق و عسکری نوری، حکومت، سیاست و عشایر نوشته عزیز کیاوند و .... اشاره کرد. از این رو پژوهش حاضر مقدمه‌ای است جهت شناخت تاثیر ایلات و عشایر ترکمن در چگونگی شکل‌گیری مرزهای سیاسی شمال‌شرقی کشور.

روش تحقیق

روش گردآوری اطلاعات در این مقاله روش توصیفی - تحلیلی است و با بهره‌گیری از منابع معتبر فارسی و لاتین به تحلیل تاثیر زندگی کوچ‌نشنی قبایل بلوچ بر روند شکل‌گیری مرزهای شرقی کشور از دوران حکومت قاجار به بعد(۱۲۰۹ ه.ق) که جغرافیای سیاسی کشور دچار تغییرات اساسی شد و مرزهای شرقی تثبیت گردید، پرداخته است. سوال تحقیق حاضر عبارتند از: ایلات و طوایف بلوچ چه نقشی در شکل‌گیری مرزهای شرقی کشور داشته‌اند؟ فرضیه تدوین‌شده بیان می‌کند: به نظر می‌رسد به‌دلیل فاصله جغرافیایی عشایر ترکمن از مرکز حکومت و مخالفت با دولت مرکزی در دوره‌های مختلف تاریخی به‌خصوص در دوره قاجار تکوین مرزهای شمال‌شرقی کشور را به تاخیر انداخته است.

1.Frdrik Barth

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-08]

یافته‌های تحقیق

تحولات ژئوپلیتیکی مرزهای شمال‌شرقی ایران

تحولات ژئوپلیتیکی شمال‌شرق ایران ناشی از توسعه امپراتوری تزار به سوی جنوب است. با تلاش‌های پطرکبیر در سال ۱۷۲۵ روسیه دارای یک ارتش منظم ۱۳۰،۰۰۰ نفری با اسلوب اروپائی شده بود. اصول سیاست خارجی پتر کبیر را در وصیت‌نامه منتسب به او می‌توان درک نمود. از جمله «رسیدن به آب‌های گرم خلیج‌فارس» که در بسیاری از نوشته‌ها از آرزوهای پتر کبیر قلمداد شده است. تحولاتی ژئوپلیتیکی در عرصه رقابت قدرت‌ها در قرن هجدهم کل سرزمین ایران را تحت تاثیر قرار داد و ایران میدان رقابت و اخذ امتیازات و نفوذ و تحت تاثیر قرار دادن رقیب از طریق ایران گردید. دسترسی به هندوستان در جریان رقابت میان سه قدرت روسیه، فرانسه و بریتانیا قرار گرفت و یگانه راه مطمئن و قابل دسترسی، کشور ایران بود (فوران، ۱۳۸۵: ص۱۷۲). بدین ترتیب گسترش روسیه به سوی جنوب در پی سلطه استعماری و رقابت‌های ژئوپلیتیکی منجر به ترسیم مرزهای شرقی ایران گردید. کوشش‌های دولت روسیه برای نفوذ در آسیای میانه پس از انعقاد معاهدهٔ ترکمنچای (۱۲۴۳/ ۱۸۲۸) سرعت بیشتری گرفت. دولت روسیه که تعهد کرده بود ایران را در تنبیه اشرار ترکمن یاری دهد، بدون درخواست دولت ایران، ارتش خود را به خیوه فرستاد و به رغم اعتراض دولت محمدشاه قاجار، که نگران پیشروی بیشتر روسیه در قلمرو ایران بود، از تخلیهٔ خیوه خودداری کرد (اسنادی از روابط ایران با مناطقی از آسیای مرکزی، صص ۱۲۹ـ۱۳۰). دولت روسیه، تا جنگ معروف گوک‌تپه (۱۸۸۱/۱۲۹۹) و شکست نهایی قبایل تکه، بی‌وقفه به تصرف مناطق ترکمن‌نشین ادامه داد و پیروزی‌های خود را، با انعقاد قرارداد مرزی آخال ۱ در همان سال، به صورت قطعی و قانونی در آورد (سارلی، ۱۳۸۴، ج۱: صص ۳۰۵ـ ۳۱۵ و اسنادی از روابط ایران با مناطقی از آسیای مرکزی، صص ۱۳۲ـ۲۰۹). این اقدامات روند تدریجی پیدایی دولت واحد ترکمن، و در رأس آن تلاش‌های ترکمن‌های تکه، را متوقف ساخت. انعقاد این پیمان در شرایطی صورت گرفت که نیروهای روس که تا سال ۱۸۶۳ اطراف آرال، سمرقند و تاشکند را تصرف کرده بودند. در سال ۱۸۶۸ خان بخارا را نیز شکست دادند و حاکمیت خود را بر بخارا و سمرقند نیز تثبیت کردند و در

1پیمان آخال یا پیمان آخال- تکه، معاهده‌ای میان امپراتوری روسیه و ایران قاجار است که در ۲۱ سپتامبر ۱۸۸۱ (۱۲۹۹ه.ق/۱۲۶۰ه.ش) برای تعیین مرزهای دو کشور در مناطق ترکمن نشین شرق دریای خزر بسته شد.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-08]

سال‌های ۱۸۷۳ تا ۱۸۸۱ علاوه بر اشغال خوارزم، ایلات ترکمن را نیز شکست داده بودند و سرزمین ترکمن‌های تَکه را با نام «سرزمین ماورای خزر» به خاک خود ملزم کردند. با این پیمان ناصرالدین‌شاه حکومت روسیه را بر این مناطق به رسمیت شناخت و ایران و روسیه برای اولین بار در ناحیه شرق دریای خزر با یکدیگر همسایه شدند.

پیمان آخال تأثیر دوگانه‌ای بر ایران داشت. از یک سو ایران تا حدی از یورش‌های ترکمن‌ها رهایی می‌یافت اما این امر به بهای گران از دست رفتن سرزمین‌هایی به‌دست آمد که ناصرالدین‌شاه ادعای سلطنت بر آن‌ها داشت (میرحیدر، ۱۳۵۶: ص ۱۸۵). این پیمان همچنین به ضرر ایلات و عشایر ترکمن‌ها بود و با مصالح سنتی قوم ترکمن هم‌خوانی نداشت. میان آنان مرز کشی شده و در دو کشور جداگانه قرار می‌گرفتند و اتحاد آنان به‌هم می خورد. یموت‌های ایران که بر اساس موافقت‌نامه دو دولت هر سال برای چراندن گله‌های خود به آن سوی مرز کوچ می‌کردند باید به هر دو دولت مالیات می‌دادند و این موضوع مقامات روسی و ایرانی را در جمع‌آوری مالیات دچار مشکل کرده بود.



شکل (۱) نقشه سرزمین‌های جدا شده از ایران طبق قرارداد آخال (آخال- تکه)
(موسسه جغرافیای دانشگاه تهران،۱۳۵۰: ۲۸)

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-08]

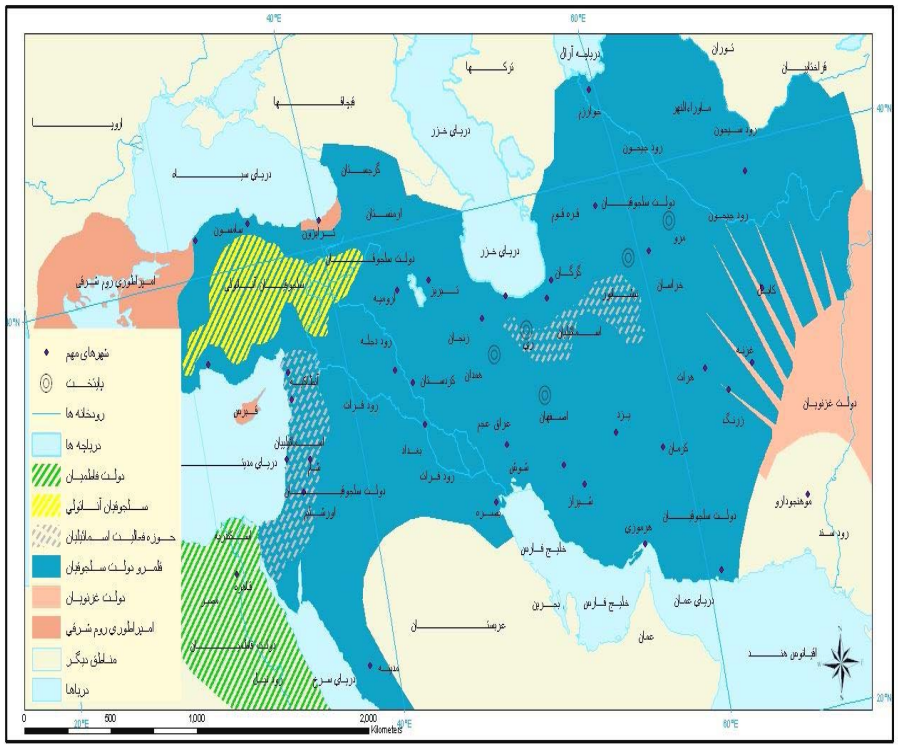
ییلاق و قشلاق عشایر ترکمن و قدرت نظامی آنها در برابر حکومت مرکزی

گروه‌هایی که هم‌اکنون ترکمن نامیده می‌شوند قبلاً «غُز[1]»، «غوذ[2]» و یا «اغوذ[3]» نامیده می‌شدند، که از نام جد مشترک آنها یعنی «اُغوذخان[4]» گرفته شده بود. ترکمن‌ها گروهی زردپوست بوده‌اند که به احتمال فراوان در مغولستان سکونت داشته‌اند و سپس کم و بیش به طرف غرب منطقه و ترکمنستان آمده‌اند و در قرن ششم میلادی در نزدیکی رودخانه «سیردریا» (سیحون) ساکن شدند (سارلی، ۱۳۸۴: ص ۸) و سپس در قرن دهم میلادی به نزدیکی «آمودریا» (جیحون) و منطقه مرو آمده‌اند. ترکمن‌ها به‌تدریج نواحی بین جیحون و رود اترک را در قرن هفتم و هشتم هجری، بعد از هجوم مغولان و فشاری که از سوی آنان وارد شده به اشغال خویش درآوردند. الگوی سکونتی عشایری طوایف ترکمن در گذشته تنها با شرایط اقتصادی پیوند نداشته بلکه زندگی عشایری آن‌ها رابطه مستقیمی با شرایط سیاسی داشته است (ایری، ۱۳۸۴: ص ۱۰۶ و Beck, 1990: 149). مهاجرت ترکمن‌ها به سمت رود اترک و دشت گرگان در قرن نهم هجری آغاز گردید. در آن ایام گوگلان۵ ها، یرلی۶ هاو آل علی۷ به جلگه‌های اطراف کپه داغ کشیده شدند و اندکی بعد ترکمن‌های ساریق أرساری و سالور به جلگه‌های اطراف قوچان و بجنورد روی آوردند. به‌تدریج برخی دیگر از طوایف ترکمن نیز در دشت‌ها و نواحی سرحدی شمال‌شرق ایران سکونت گزیدند و ده‌ها دولت کوچک و بزرگ به وجود آوردند که اولین آن‌ها سلاجقهٔ بزرگ و آخرین آن‌ها امپراتوری عثمانی بود.

قلمرو ترکمن‌هایی که در آسیای میانه زندگی می‌کنند، به‌طور تقریبی، از شمال به دریاچهٔ آرال و فلات اُوسِت یورت[8] ، از جنوب به رودخانهٔ گرگان و کوه‌های شمال خراسان و مرزهای شمالی افغانستان ، از مشرق به آمودریا و از مغرب به دریای مازندران منتهی می‌شود (ذبیحی،۱۳۶۳: صص۱۴۷-۱۴۴).

1. Ghuz
2. Ghuz
3. Oghuz
4. Oghuz khan
5. Guklan
6. Yerli
7. Al ali
8- Ust yert

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-08]

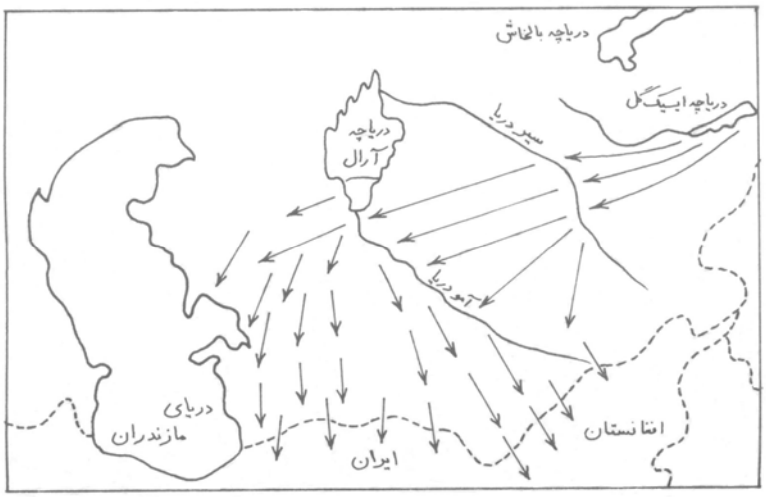


شکل (۲) نقشه موقعیت جغرافیایی پایتخت دولت سلجوقیان

در همان ایام قبایل تکه[1] و یموت[2] نیز به سمت شمال خراسان کوچ کردند و این مهاجرت تا امضای قرارداد مرزی آخال بین ایران و روسیه در سال ۱۸۸۱ میلادی ادامه داشت (گلی، ۱۳۶۶: ص۲۰). در هر صورت می‌توان تاریخ ترکمن‌ها را به سه دوره زیر تقسیم کرد : الف: دوره بیابان‌گردی. ب: دوره مهاجرت به ترکستان و ترکمن صحرا. ج: دوره مرزبندی رسمی بین کشورهای ایران و روسیه (کمالی و خانقاه، ۱۳۷۴: ص۴۴).

1. Teke
2. Yomut

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-08]



شکل (۳) نقشه مسیر ورود اقوام ترکمن به ایران در طول تاریخ (کمالی، ۱۳۶۶: ص۷۸)

در زمان شاه طهماسب اول (۹۸۴-۹۳۰ ه.ق) طوایف ترکمن آق‌لی[1] ، گوگلان، ایمر[2] و سالور[3] که در کنار رود اترک ساکن بودند به گرگان آمدند و تابع صفویه شدند (ورهرام، ۱۳۸۵: ص۱۰۸). در سال ۹۵۷ ه.ق فشار مأمورین مالیات سبب عصیان طوایف ترکمن شد و آنان به رهبری جوانی از طایفه آق‌لی شورش وسیعی را آغاز کردند. در زمان شاه‌عباس اول مهاجرت ترکمن‌ها به استرآباد شدت یافت. در این دوره با توجّه به وسعت قلمرو سلسله صفویه تقریباً اکثر قبایل ترکمن در داخل سرحدّات ایران بودند. در واقع در این دوره ترکمن‌ها به‌دلیل قرار داشتن در داخل مرزهای کشور مشکلات چندانی را برای دولت مرکزی در زمینه کوچ و عبور از مرزها پیش نمی‌آوردند. لیکن با توجه به دوری قلمرو ترکمن‌ها از مرکز آنها در این دوره هر از چند گاهی تحت تأثیر ظلم حکومت مرکزی به‌خصوص در زمینه اخذ مالیات دست به شورش‌هایی می‌زدند که در نهایت توسط حکومت صفوی سرکوب می‌شد (اعظمی راد، ۱۳۸۴: ۸۹). به دنبال تداوم این ناآرامی‌ها شاهان صفوی طوایف قاجار را که مقیم آذربایجان بودند به حدود گرگان کوچ دادند تا تفوق ترکمن‌ها را در شمال‌شرق کشور متزلزل سازند (شهبازی، ۱۳۶۹:

3. Aghli
3. Imer
4. Salor

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-08]

ص۶۲). در سال ۱۱۳۴ ه . ق به‌دنبال انقراض صفویان و به قدرت رسیدن محمود افغان، ترکمن‌ها از ضعف دولت مرکزی استفاده نموده و در مناطق سرسبز گرگان پیشروی کردند. روحیه صحرانشینی ترکمن‌ها از یک سو و سیاست‌های نابخردانه حکومت مرکزی از سوی دیگر باعث می‌گردید که بین ترکمن‌ها و حکومت مرکزی همیشه جنگ و درگیری وجود داشته باشد (کلته، ۱۳۷۵: ص۲). در دوره نادرشاه افشار (قرن هجدهم میلادی) وی برای مطیع کردن عشایر شمال‌شرق به خیوه حمله کرد و آن را تصرف نمود. او ترکمن‌های تکه و یموت را به خراسان تبعید کرد و همچنین ترکمن‌های یموت را مجبور کرد به منطقه ساحلی استرآباد (گرگان) کوچ کنند. در نتیجه گروه بزرگی از ترکمن‌های یموت مجبور به مهاجرت به منطقه ساحلی دریای خزر و خلیج گرگان شدند و در آنجا دست به اعتراض و یورش زدند که باز سرکوب شد (عسگری خانقاه و کمالی، ۱۳۷۴: ص۴۸). در زمان قاجار نیز بیشتر ترکمن‌های ایران برای اینکه از فشار و زورگویی حکام قاجار در امان باشند به زندگی کوچ نشینی می‌پرداختند. جابجایی اجباری و همگانی قبایل که بازدارنده روندهای وحدت سیاسی و قومی گروه‌های به هم پیوسته بود، جایگاه مهمی در سیاست سلاطین داشت. از این رو کوچ دادن قبایل بخش جدایی‌ناپذیر سیاست مرکزمداری شاهان بود که بر پایه اصل تفرقه بینداز و حکومت کن قرار داشت و سیاستی بود برای دامن‌زدن بر تفاوت‌های قبیله‌ای برای واکنش در برابر وحدت گروه‌های قبیله‌ای (تروتیسکوی، ۱۳۵۸: ص۱۴). بدین‌ترتیب جابجایی در روزگار قاجار اغلب متوجه قبایل مرزنشین به خصوص در نواحی شمال کشور بود که بر حسب میزان ستم حکومت مرکزی تابعیت کشور ایران و روسیه را تغییر می‌دادند (نیک‌خلق و نوری، ۱۳۸۹: ص۴۳). لیکن نکته حائز اهمیت در این دوره از تاریخ ایران و تفاوت آن با دوره‌های گذشته پیدایش و قدرت گرفتن روسیه تزاری در شمال ایران و چشم داشت این کشور به توسعه ارضی به سمت جنوب بود. این امر موجب شد تا ایلات کوچ نشین ترکمن در شمال‌شرقی ایران در کانون توجّه دولت‌های ایران و روسیه قرار گیرد. در گذشته‌های نه چندان دور و تا زمان حکومت قاجار و در ادوار مختلف ترکمنستان بخشی از خاک ایران بوده است امّا روس‌ها در طول تاریخ به این منطقه چشم دوخته بودند (بیگدلی، ۱۳۶۹: ص۳۱۰). ترکمن‌ها در جستجوی سرزمین مناسبی بودند که دارای مراتع و آب فراوان باشد. برای رسیدن به چنین سرزمینی با گروه‌های دیگر می‌جنگیدند و در سراسر قرن نوزدهم میلادی محل خود را تغییر می‌دادند. این وضعیت همچنان ادامه داشت تا

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-08]

اینکه دولت روسیه سعی بر سرکوبی آنان کرد و سرانجام در سال ۱۸۸۱ میلادی قوای روسیه به فرماندهی ژنرال اسکوبلف[1] مقاومت ترکمن‌های تکه را درهم شکست. در سال ۱۸۸۵ تمام منطقه ترکمستان در اختیار قشون روسیه قرار گرفت (عسگری خانقاه، ۱۳۷۴: ص۴۹). بدین‌ترتیب ترکمنستان به تسخیر روس‌ها درآمد. به دنبال ادعای مالکیت ایران بر سرزمین ترکمن‌هایی که تا نزدیکی گرگان و کردکوی و نواحی مجاور ساکن بودند، قرار شد که تعیین مرز با مذاکره مستقیم دو کشور انجام گیرد که این مذاکرات منجر به انعقاد قرارداد «آخال» در سال ۱۸۸۱ میلادی گردید. تعیین مرز بدون در نظرگیری تقسیم‌بندی‌های ناحیه‌ای انجام گرفت و لذا ییلاق عشایر ترکمن در روسیه و قشلاق آنها در ایران ماند و به‌همین جهت آنها هر ساله به حدود خاک‌های دو کشور کوچ می‌کردند. این مساله مشکلات عدیده‌ای را هم برای دو دولت همسایه و هم برای عشایر به‌وجود آورد. پس از مرزبندی، دولت روسیه با دادن تابعیت به ترکمن‌های یموت، آنها را از منطقه بین رودهای اترک و گرگان جدا کرد. این ترکمن‌ها پس از پذیرفتن تابعیت روسی فقط برای ییلاق و قشلاق به ایران می‌آمدند. در نتیجه مسأله مهمی که مالیات دادن به دو دولت بود برای آنها پیش آمد (کمالی،۱۳۶۶: ص۱۵۳). به‌عنوان نمونه مأمورین هر دو دولت از ترکمن‌ها مالیات مطالبه می‌کردند ولی ترکمن‌ها در فصل اخذ مالیات توسط مأمورین ایرانی به روسیه و در موعد اخذ مالیات توسط روس‌ها به ایران کوچ می‌کردند (کلته، ۱۳۷۵: ص۴). به‌نظر «آیرونز» ساختار سیاسی ترکمن‌ها، ساختاری بود که با هرج و مرج منظم توضیح داده می‌شد. به‌عبارت دیگر فاقد دستگاه‌های نهایی قدرت بودند.، به همین جهت ترکمن‌ها دارای نظام مالیاتی دقیقی نبودند. حکومت ایران و روس نیز هیچ‌گاه نتوانستند به‌طور مؤثری از آنها مالیات دریافت کنند (آیرونز، ۱۳۸۶: ص۱۵۵). بر طبق قرارداد مرزی ۱۸۸۱ منعقد بین ایران و روسیه خط سرحدّی در این قسمت رودخانه اترک تعیین شد. با وجود قرارداد مزبور افسران روسی با سربازان خود از رودخانه اترک عبور و از افراد قبیله یموت‌های ایرانی در گرگان باج مطالبه می‌کنند. کرزن در کتاب خود به‌خوبی به این نکته اشاره کرده است ،وی می‌نویسد:«در شمال این رودخانه [اترک] ترکمن‌های یموت ساکن هستند که تابع دولت روس بوده و یموت‌های جنوب رودخانه جزء دولت ایران هستند، هرچند که نفرات بومی منطقه ایران عادت دارند که در پاره‌ای از فصول سال به آن طرف مرز بروند و برطبق قرارداد اجازه چرادادن گله‌های خود را دارند. یموت‌های روس به کلی تابع دولت روس شده‌اند، خواه از حکومت تزاری

1.Skobbeleff

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-08]

راضی باشند یا نباشند امکان شورش از آنها سلب شده است. امّا یموت‌های ایرانی که به تیره آتابای و جعفربای تقسیم می‌شوند به هیچ وجه رفتار آرامی نسبت به مقامات ایرانی ندارند و در سال‌های ۹-۱۸۸۸میلادی بر علیه حکومت مرکزی طغیان کردند. شورش یموت‌ها در فوریه ۱۸۸۸ شروع و تا مارس ۱۸۸۹ ادامه یافت و چنین تصور می‌شود که اگر علّت اصلی آن بی‌لیاقتی و بدرفتاری مقامات ایرانی نبوده، دست کم ناشی از وضع پریشان اداری ایشان بوده است» (کرزن، ۱۳۴۹: ص۲۶۰). بعد از انعقاد قرارداد ۱۸۸۱ (آخال) اگرچه ترکمن صحرا از نظر قوانین بین‌المللی عملاً تابع دولت ایران بود ولی ترکمن‌ها به‌علّت اقدامات نسنجیده حکومتی و همچنین به‌علّت روحیه صحرانشینی خود، که همانا سرپیچی از هرگونه انقیاد می‌باشد، عملاً هیچ ارتباط حسنه‌ای با دولت مرکزی نداشتند. حکام قاجار نیز نه آن توان نظامی را داشتند که آرامش را به منطقه بازگردانند و نه از آن زیرکی برخوردار بودند که با اعمال سیاست‌های بخردانه آنان را مطیع خود نمایند. تسلطی که کشور روسیه بنا به فصل پنجم پیمان گلستان و فصل هشتم عهدنامه ترکمانچای بر دریای خزر به‌دست آورد، زمینه پیشرفت نفوذ آن دولت را در ولایت‌های ساحلی ایران فراهم ساخت (سایکس، ۱۳۶۶: ص۱۳۸). سستی و ناتوانی دولت، دست‌اندازی ترکمنان منطقه گرگان به شهرهای اطراف و تحریکات روس‌ها در میان جماعات ترکمن، همگی عوامل افزایش نفوذ روسیه در ناحیه جنوبی دریای خزر بود (حقیقت،۱۳۸۱: ص۳۲۳). در این دوره شاهد نفوذ بسیار ضعیف حکومت مرکزی بر ایلات ترکمن هستیم به گونه‌ای که در عمل ترکمن‌ها در منطقه خود به هر نوع نافرمانی و شورشی دست می‌زدند. در این میان ترکمن‌های ناراضی از دولت روسیه،آزادانه از مرز عبور کرده و خود را به ترکمن صحرا می‌رساندند. این قبایل به روستاهای غیرترکمن حمله کرده و روستاییان را غارت می‌کردند. در نتیجه تسلط دولت مرکزی بر منطقه بسیار ضعیف و عبور و مرور از مناطق مرزی خارج از کنترل دولت ایران انجام شد. همین امر فرصت را برای دخالت روسیه تزاری به بهانه فراهم کردن امنیت و سرکوب شورشیان ترکمن در نواحی جنوبی مرزهای خود فراهم می‌کرد. به این بهانه روسیه قصد تصرف مناطق بیشتری از ایران را در سر می پروراند.

نتیجه‌گیری

نگاهی به تاریخ ایران این نکته را روشن می‌کند که بدون مطالعه تاریخ اقوام، ایلات و عشایر به درستی نمی‌توان تاریخ ایران را شناخت. در ادوار مختلف تاریخی که یکی از ایلات نیرومندتر از دیگران بوده، قدرت سیاسی را تسخیر کرده است. ایلات به‌علّت آمادگی دایمی

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-08]

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-08]

منابع و ماخذ

۱.آیرونز، ویلیام، (۱۳۸۶) **ترکمن‌های یموت: مطالعه سازمان اجتماعی یک جمعیت ترک زبان در آسیای مرکزی**، ترجمه محمدامین کنعانی و علیرضا حسن‌زاده، انتشارات سازمان میراث فرهنگی و هنری.

۲.آیرونز، ویلیام، (۱۳۶۲) **کوچ‌نشینی به مثابه راهی برای سازگاری سیاسی**، مجموعه مقالات ایلات و عشایر، انتشارات آگاه.

۳.احمدی، حمید، (۱۳۸۹) **قومیت و قوم‌گرایی در ایران: افسانه و واقعیت**، نشرنی.

۴.اسکندری، حسین، (۱۳۸۸) **نقش انگلستان در شکل‌گیری مرزهای شرقی ایران**، مجموعه سخنرانی‌ها، میزگرد و مقالات، انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

۵.افضلی، رسول، (۱۳۸۶) **دولت مدرن در ایران**، انتشارات دانشگاه مفید.

۶.اعظمی‌راد، گنبد، (۱۳۸۴) **مقدمه‌ای بر پیشینه تاریخی ترکمن‌ها**، انتشارات گنبددردی.

۷.اکبری، علی و میزبان، مهدی، (۱۳۸۳) **درآمدی برشناخت ویژگی‌های جمعیت و جوامع عشایری ایران**، فصل‌نامه مطالعات ملی، سال پنجم، شماره۱.

۸.امان‌اللهی بهاروند، سکندر، (۱۳۸۳) **زوال کوچ‌نشینی در ایران: یکجانشینی ایلات و عشایر**، فصل‌نامه مطالعات ملّی، شماره ۱۷، ص ۱۸۴-۱۵۵.

۹.ایری، مایسا، (۱۳۸۴) **سیری در تاریخ ترکمن**، انتشارات مختومقلی

۱۰.بیگدلی، محمدرضا، (۱۳۶۹) **ترکمن‌های ایران**، انتشارات پاسارگاد.

۱۱.تروتیسکوی، (۱۳۵۸) **نقش قبیله‌های اسکان‌یافته و کوچ‌نشین ایران در دوران نوین**، ترجمه سیروس ایزدی، نشر بیگوند.

۱۲.حافظ‌نیا، محمدرضا، (۱۳۸۸) **جغرافیای سیاسی ایران**، انتشارات سمت.

۱۳.حافظ‌نیا، محمدرضا، (۱۳۸۵) **اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک**، انتشارات پاپلی.

۱۴.حقیقت، عبدالرفیع، (۱۳۸۱) **تاریخ روابط خارجی ایران**، انتشارات قومس.

۱۵.ذبیحی، مسیح، (۱۳۶۳) **تفصیل احوال تراکمه در گرگان نامه**، نشر بابک.

۱۶.زرقانی، سیدهادی، (۱۳۸۶) **عوامل موثر در امنیت مرزی با تاکید بر مرز شرقی ایران و افغانستان**، فصلنامه ژئوپلیتیک، ص ۱۹۹-۱۶۶.

۱۷.سارلی، ارازمحمد، (۱۳۸۴) **تاریخ ترکمنستان (جلد اول)**، انتشارات وزارت امور خارجه.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-08]

۱۸.سایکس، سرپرسی، (۱۳۶۳) **ده هزارمایل در ایران**، ترجمه حسین سعادت‌نوری، انتشارات لوحه.
۱۹.شهبازی، عبدالله، (۱۳۶۹) **مقدمه‌ای بر شناخت ایلات و عشایر**، نشر نی.
۲۰.عسکری خانقاه، (۱۳۷۴) **ایرانیان ترکمن : پژوهشی در مردم‌شناسی و جمعیت‌شناسی**، نشر اساطیر.
۲۱.عسگری خانقاه، اصغر و کمالی، محمد شریف، (۱۳۷۴) **ایرانیان و ترکمن**، نشر اساطیر.
۲۲.علی‌زاده، محمدعلی، (۱۳۸۵) **تاثیرات اقتصادی نظام سرمایه‌داری غرب بر نظام ایلی– عشیره‌ای ایران، از عصر قاجار تا پایان دوره پهلوی اول**، فصل‌نامه بررسی نوین تاریخی، شماره دوم.
۲۳.فوران، جان، (۱۳۸۵) **مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران: از سال ۱۵۰۰ میلادی مطابق با ۸۷۹ شمسی تا انقلاب**، ترجمه احمد تدین، انتشارات رسا.
۲۴.کرزن، جرج.ن، (۱۳۴۹) **ایران و قضیه ایران**، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲۵.کلته، ابراهیم، (۱۳۷۵) **مقدمه‌ای بر شناخت ایلات و عشایر ترکمن**، انتشارات حاجی‌طلایی.
۲۶.کمالی، شریف، (۱۳۶۶) **مجموعه مقالات مردم شناسی**، انتشارات مرکز مردم‌شناسی و سازمان میراث فرهنگی کشور.
۲۷.کیاوند، عزیز، (۱۳۶۸) **حکومت، سیاست و عشایر، انتشارات عشایری**، به کوشش واحد تحقیقات و مطالعات شورای عالی عشایر ایران.
۲۸.گلی، امین، (۱۳۶۶) **سیری در تاریخ سیاسی– اجتماعی ترکمن‌ها**، نشرعلم.
۲۹.میرحیدر، دره، (۱۳۸۹) **مبانی جغرافیای سیاسی**، انتشارات سمت.
۳۰.میرحیدر، درّه، (۱۳۵۶) **مرزهای ایران در دوران تاریخ ایران**، انتشارات شورای عالی.
۳۱.مینایی، مهدی، (۱۳۸۶) **مقدمه‌ای بر جغرافیای سیاسی ایران**، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
۳۲.نیک خلق، علی اکبر و نوری، عسگر، (۱۳۸۹) **زمینه جامعه شناسی عشایر ایران**، انتشارات چاپخش.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-08]

۳۳.ورهرام، غلامرضا، (۱۳۸۵) **نظام سیاسی و سازمان های اجتماعی ایران در عصر قاجار**، نشر معین.

Beck, L, (1990) ***Tribes and State in Nineteenth and Twentieth Century Iran,*** Berkeley University of California Press.

Dikshit, R, (1995) ***Political Geography, New Delhi***, Tata Mc Grow – Hill.

Glassner, M, (1993) ***Political Geography***, New York, John Wiley and Sons.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-08]